

فصلنامه مطالعات فرهنگی - دفاعی زنان

سال اول، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۴

معرفی کتاب:

سیاست جنایی اسلام در برخورد با بزهکاری و بزه دیدگی زنان*

تهیه کننده: مهدی زروندی

اشاره

طراحی، تنظیم و تدوین سیاست جنایی، یکی از اساسی ترین مسائل مربوط به مدیریت و هدایت جوامع و نظام های مختلف حقوقی، سیاسی و اجتماعی است که با در نظر داشتن اهداف و مقاصد ویژه هر نظام اجتماعی، جهت گیری هر گونه اقدام، تدبیر و برنامه ریزی دیگری را در حوزه ی مدیریت و اداره ی جامعه در زمینه های گوناگون، سیاست اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، خارجی و سایر زمینه ها کم و بیش تحت تاثیر خود قرار می دهد.

در سیاست جنایی اسلام، توسل به راه حلها و ابزارهای سرکوبگر کیفری، نه تنها به عنوان یگانه راه حل و روش برخورد در مقابله با بزهکاری به ویژه بزهکاری زنان، پذیرفته نشده که نقش و موقعیت حقوق کیفری در مبارزه با بزهکاری به

* علی اشرف طهماسبی نیک، (۱۳۸۳)، تهران، انتشارات بزرگ زیتون.

دلیل عدم اعتماد نسبت به سودمندی کیفرها و ابزارهای سرکوب‌گر در مرتبه دوم قرار می‌گیرد و ابزارها و روشهای غیر کیفری در اولویت هستند. هر چند در ظاهر چنین به نظر آید که «گرایش کیفری سیاست جنایی» بارزترین امکانی می‌باشد که بزهکاری زنان و یا سایر افراد جامعه را مستقیماً هدف قرار می‌دهد. به کارگیری قاعده مهم و کیفر زدای «در حد» و استفاده از نهاد فراگیر کیفر زدای «توبه» و ترغیب شدید و اکید اسلام در مراحل گوناگون اجرای کیفرها به «بزه پوشی» و سخت‌گیری شدید نسبت اثبات به جرایم جنسی و ضد اخلاقی و پوشیده نگاه داشتن این امور و کراهت در گواهی دادن نسبت به این نوع جرایم، همگی در راستای سیاست کیفر زدایی بوده و رویکرد سیاست جنایی اسلام را نسبت به کیفر زدایی، قضا زدایی، و بزه پوشی نشان می‌دهد. آخرین بحث از فصل زمینه‌ی سیاست جنایی اسلام در اندیشه و عمل امام علی (ع) است، که با استفاده از خطبه‌های نهج البلاغه بحث شده است.

معرفی کتاب

کتاب حاضر از یک مقدمه و سه بخش و یک نتیجه‌گیری به همراه منابع در ۳۶۷ صفحه تدوین و تالیف شده است. هر بخش از این کتاب دارای چند فصل است و هر فصل از کتاب نیز از چند مبحث تشکیل یافته و هر مبحث خود نیز از چند گفتار که زیر مجموعه مبحث است تشکیل شده است. سه بخش اصلی این کتاب عبارتند از:

بخش اول؛ تحت عنوان «سیاست جنایی اسلام» که نویسنده این بخش را در سه فصل تدوین نموده است. فصل اول این بخش به جایگاه سیاست جنایی اسلام و قلمرو آن اشاره دارد. در گفتار اول ابتدا به پیدایش سیاست جنایی اشاره نموده، و بیان می‌دارد که برقراری روابط اجتماعی میان انسانهاست که به پدیده‌ی جنایی

و به عبارتی، بزه یا جرم متولد می شود. بزه پدیده ای است که با شکل گیری جامعه انسانی نمود پیدا کرده است. جوامع انسانی به منظور محافظت و پاسداری از آرمانها و ارزشها و منافع و مصالح اساسی و مشترک خود قواعد و ضوابط و مقرراتی به نام قانون وضع نموده اند. هر جامعه ای به صورت طبیعی و یا برنامه ریزی شده مجبور است «پدیده جنایی» را در جامعه مهار، کنترل، محاصره و محدود نماید. به مجموعه این سیاستها و ساز و کارها و راه حلها اصطلاحاً در حقوق جزای کنونی سیاست جنایی می گویند.

گفتار دوم این فصل به تحول مفهوم سیاست جنایی اختصاص دارد و به تاریخچه کاربرد این واژه در نزد دانشمندان مختلف، از جمله فویر باخ، فون لیست، میرل دلماس مارتی و مانند آن اشاره می نماید و تعاریفی از این مفهوم را از نظر آنان بیان می دارد.

گفتار سوم این فصل تحت عنوان گستره سیاست جنایی و تمایز آن از سیاست کیفری است. ابتدا مفهوم سیاست جنایی و قلمرو آن، همچنین سیاست و جنایت را تعریف کرده و در ادامه تمایز سیاست جنایی از سیاست کیفری را به بحث گذاشته است.

فصل دوم این بخش به بحث نسبت سیاست جنایی اسلام با یافته های علوم بشری اختصاص دارد.

در گفتار اول این فصل، سیاست جنایی اسلام را با سیاست جنایی جدید مقایسه و بررسی نموده و تعارضات آنها را تشریح می کند.

نویسنده در گفتار دوم به بررسی برخی راهکارهای حل تعارضات پیش آمده می پردازد در این گفتار مساله اصلی تعارض سیاست جنایی ایدئولوژیک اسلامی با یافته های علوم جدید است که آن هم عمدتاً ناظر به تعارض فقه و علوم انسانی

جدید می باشد. در ادامه ارزشهای غربی مثل نفی تبعیض دینی و جنسی و تساوی کامل حقوق زن و مرد و تساهل و تسامح را بررسی کرده است. در ادامه به روشهای غیر منطقی روشنفکران دینی برای حل تعارض به وجود آمده با استفاده از پذیرش ارزشهای غربی و کوتاه آمدن نسبت به ارزشهای اسلامی بحث می کند.

گفتار سوم این فصل به نقد و بررسی راه حل های پیشنهادی روشنفکران دینی برای حل تعارضات ارزشهای دینی با فرهنگ غرب می پردازد و معتقد است این جریان غالب و مهاجم، با کمک گرفتن از متفکران و اندیشمندان مدافع و مجذوب سیاستهای غرب، به تولید اندیشه هایی در عرصه های مختلف علمی و فرهنگی می پردازد که راه سلطه همه جانبه ی غرب را بر جهان هموار سازد. در ادامه برای بررسی و رد این رویکرد، به خصوصیات جریان مداری از معرفت دینی، جامعه دینی و حکومت دینی پرداخته است.

گفتار چهارم به طراحی سیاست جنایی اسلام بر مبنای عدل و احسان در روابط اجتماعی و بررسی مفاهیم عدل و احسان به عنوان پایه های سیاست جنایی اسلام می پردازد. عدل و احسان را از نظر اسلام و قرآن تعریف و ویژگیهای آن را مطرح می کند.

فصل سوم کتاب به کلیاتی در سیاست کیفری نظام جزایی اسلام اختصاص پیدا کرده است. در مبحث اول از این فصل مبانی و اهداف جرم سازیها و قابلیت انعطاف در اجرا را مورد کنکاش قرار می دهد.

گفتار اول این مبحث مربوط به اهداف جرم انگاری برخی رفتارها در سیاست کیفری اسلام و معیار آن را بررسی کرده است. در این رابطه به نگرشهای متفاوتی که نسبت به ماهیت رفتار ارتكابی وجود دارد، ضوابط و معیارهای مختلفی را در

تبیین بزهکاری متناسب با این برداشت‌ها و تحول معیارهای جرم‌انگاری و تحولات این واژه اشاره می‌نماید. برای رفع ابهام ابتدا سؤالاتی طرح کرده، سپس با یک بحث استدلالی جواب سؤالات را نیز ارایه می‌کند.

در گفتار دوم به عکس‌العمل‌های کیفری در مرحله اجرا اشاره دارد و بیان می‌کند که واکنش‌هایی که از سوی دستگاه عدالت کیفری در برابر رفتار مجرمانه و مفسده‌آمیز صورت می‌گیرد، در سیاست جنایی اسلام اهداف متفاوتی را دنبال می‌کند. تنوع این عکس‌العمل‌ها که متأثر از جهت‌گیری اهداف مذکور و متناسب با آن است در دو سطح ماهوی و شکلی توسعه می‌یابد.

مبحث دوم این فصل به طبقه‌بندی واکنش‌های کیفری و ویژگی‌های آنها اشاره می‌دارد و در گام اول حدود را مورد توجه قرار داده است و حد را واکنش کیفری می‌داند که تمام ویژگی‌های معمول عقوبات را داراست و یا عکس‌العمل بازدارنده‌ای که به صورت حدود مقدر و یا به صورت تعزیر که جنس و میزان آن تقدیر نشده اعمال می‌گردد. سپس به جرایمی که مشمول حد می‌شود، اشاره می‌نماید و نقل قول فقهای امامیه در تعداد جرایم که مشمول حد می‌شود را مورد اختلاف می‌داند. علت این اختلاف نیز ناشی از مدارک روایات مختلف و تعاریف متفاوتی است که از حد شده است. از قول فقهای شیعه و سنی، کیفرهای حد را ذکر کند.

گام دوم این مبحث مربوط به تعزیرات است که گسترده‌ترین واکنش در نظام جزایی اسلام بوده و بدین جهت، از مباحث مهم در سیاست جنایی اسلام است. هدف از انجام تعزیرات را نیز بیان می‌دارد و معنی لغوی و مفهوم اصطلاحی آن را برشمرده است. موارد و موجبات تعزیر را نیز در ادامه بیان کرده است.

گفتار سوم مربوط به تمایز واکنش‌های تعزیری از حدود است، که از جهت اصل قانون بودن جرایم، مجازات، تناسب واکنش تعزیری با درجه‌ی جرم و... را تشریح کرده است.

در گفتار چهارم، کیفر قصاص را با توجه به متون کتاب، سنت و منابع فقهی مورد بحث قرار می‌دهد. معنی قصاص در نظر علمای لغت، دنبال کردن و پی‌گیری نمودن نشانه و اثر چیزی معنی کرده است و تمایز قصاص از سایر جرایم حدی دیگر را نیز بر می‌شمارد.

بخش دوم این کتاب مربوط به سیاست جنایی تقنینی اسلام در برخورد با بزهکاری زنان است. نویسنده در فصل اول این بخش، به بررسی وضعیت حقوقی زنان در قانون قصاص و دیات و قابلیت انعطاف این قوانین را بر می‌شمارد مهمترین مساله و دغدغه زمان را بینش فقهی نظام مند و پاسخگو نسبت به مشکلات و مسایل مستحدثه با حفظ استناد و اصالت در این زمینه بیان می‌کند. در گفتار اول به بررسی علت تفاوت اجرای حکم قصاص در مورد زن و مرد پرداخته است و بیان می‌دارد که در فقه شیعه‌ی امامیه، تصریح شده تفاوت‌هایی هم بر حسب مورد در خصوص اعمال مقررات مدنی میان زن و مرد وجود دارد.

نویسنده معتقد است که برای مطالعه دقیق وضعیت حکم قصاص و تفاوت آن در مورد زن و مرد و روشن شدن موقعیت آن، باید همه احکام متفاوتی که در مورد زن و مرد وجود دارد، بررسی شود و موارد صحیح و مسلم و قطعی آن مشخص گردد و سه موضوع ۱- نگرش اسلامی بین زن و مرد از لحاظ ارزش انسانی ۲- احکام و مقررات متفاوت موضوعی اسلامی معتقد به تفاوت بین زن و مرد به تمایز و تفاوت ارزش زن و مرد بر می‌گردد و یا صرفاً ناظر و مربوط به تفاوت طبیعی و ساختاری و فطری بین زن و مرد است. ۳- این احکام و مقررات

متفاوت بودنشان دائمی است، یا بر اساس اوضاع و احوال خاص زمان و مکان و شرایط ویژه‌ی اجتماعی و محیطی صادر شده و طبع آنها منافاتی با تغییر ندارد؟
 برای پرداختن به پاسخ تجزیه و تحلیل این پرسشها نیاز به شناختی دقیق از فلسفه‌ی حقوق و فلسفه‌ی مجازات‌های اسلامی را در قالب مبانی انسان‌شناختی، هستی‌شناختی و آرمان‌شناختی و جامعه‌شناختی اسلام می‌باشد تا به جواب پرسشهای فوق دست یابیم و بنیاد اساسی نظام حقوقی زن و مرد را در اسلام تحلیل نماییم، که این مباحث در این فصل در مورد مجازاتهای اسلامی زنان در مورد مرتکبین فعل خلاف با استفاده از منابع فقه شیعه، قرآن، سنت و احادیث بحث شده است.

فصل دوم از این بخش مربوط به جرایم جنسی و جرایم علیه عفت عمومی و پاکدامنی زنان است، بحث درباره‌ی اهداف مجازاتها در خصوص جرایم بر علیه عفت عمومی از اهمیت مضاعفی برخوردار است. چرا که مساله‌ای مهم، دخالت حاکمیت در حوزه رفتار خصوصی افراد ارتباط پیدا می‌کند. در حالی که حفظ قداست و پاکی نسل و حفاظت از کیان و بقایای خانواده هم کاملاً مد نظر است و حتی تاثیر این جرایم بر مجموعه‌ی پدیده‌ها با نگاه دیگری می‌تواند ملحوظ باشد. سیاست کیفری اسلام در برخورد با این گونه جرایم و جرائم علیه عفت و پاکدامنی مهم تلقی می‌شود.

نویسنده مقصود این نوشتار را از جرایم علیه خانواده، جرایم جنسی، جرایم علیه اخلاق و عفت عمومی را تشریح می‌کند و در قسمت دوم، مجازات آنها را نیز برتصریح کرده است.

بخش سوم این کتاب به سیاست جنایی اسلام در مقابله با بزه زدگی زنان از نظر جایگاه بزه دیده شناسی در سیاست جنایی اسلام، پیدایش جرم شناسی بزه دیده اشاره می نماید.

در گفتار دوم نیز مبانی اندیشه حمایت از بزه دیدگان را بررسی می نماید. نویسنده پیدایش این جایگاه را بر مبنای ارزشهای دینی، اهمال و سستی دولتها در احقاق حقوق بزه دیدگان و جلوگیری از بزه کاری مجدد را دلیل پیدایش اندیشه حمایت از این قشر را شرح می دهد.

گفتار سوم علل عدم گزارش بزه دیدگان را بررسی می نماید و در مجموع دلایل مطرح شده در مورد جرایم مختلف متفاوت بوده و به عنوان نمونه مهمترین دلایل برای عدم گزارش بزه دیدگی ناشی از کلاهبرداری، فقدان مدارک کافی، در مورد بزه دیدگیهای مربوط به جرایم جنسی، افترا، توهین، ضرب و شتم، حفظ آبرو و شخصیت بزه دیده و در مورد بزه دیدگی های جرم سرقت، بی اعتمادی به پلیس اعلام شده است.

فصل دوم این بخش به ترتیب، جایگاه حمایت از زنان بزه دیده در سیاست جنایی اسلام و نقش جهان بینی، اخلاق و عفت اسلامی در پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی زنان بررسی نموده است که خواننده را با قوانین موجود جهت حمایت و شکایت آشنا می نماید. در فصل سوم نیز بر روحیه اسلامی گری و نقش تقوا و امر به معروف در این مورد اشاره دارد. در پایان کتاب نیز نتیجه گیری و منابع مورد استفاده جهت تالیف کتاب، آورده شده است.